■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
زاهد در دنیا کسی است که حرام بر صبرش غلبه نکند و حلال از شکرش باز ندارد.

■اذان ظهر: ۱۲:۱۱ ■غروب آفتاب: ۱۹:۱۴
■اذان مغرب: ۱۹:۳۴ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۲
■اذان صبح فردا: ۰۳:۲۹ ■طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۰۸

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

■پنجشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳ ■سال سی‌ودوم ■شماره ۹۱۶۰
جهش تولید با مشارکت مردم

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حافظ
بر آستان جانان گر سر توان نهادن
گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■مدیر: عیسی محمدی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■مدیر: محمد باریکانی

فرهنگ شهر:
■دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

خط‌خطی

معلم‌ها سر کلاس خیلی حرف می‌زنند و روزنامه‌نگارها، قلم و حالا ترکیبش، همین می‌شود که می‌خوانید. اینها برگی از یادداشت‌های روزانه یک معلم ساده است و یک روزنامه‌نگار خط‌خطی.

لبرون جیمز بستنی به‌دست

سیدسروش طباطبایی‌پور

زنگ خورده بود و در آن ظهر جهنمی تابستان، همچنان گروهی از بچه‌ها وسط حیاط مدرسه، زیر تیغه‌های خورشید، مشغول دویدن به‌دنبال توپ سرگردانی بودند که نمی‌دانست توی این دروازه برود بهتر است یا آن دروازه؟ تنها سایه حیاط، روی تنها حلقه بسکتبال مدرسه و نیمی از سکوهای اطرافش افتاده بود و آدمی را به نشستن دعوت می‌کرد.

گروهی از بچه‌ها هم توپ بسکتبال به دست، شانس‌شان را در پرتاب‌های ۳امتیازی امتحان می‌کردند. به طرف سکوهای پر از سایه رفتم و قبل از آنکه بنشینم، با صدای بلند گفتم: «دوستان! توی این گرما، شما خونه زندگی ندارین؟ زنگ خورده دیگه! برین خونه‌هاتون.»

انگار فقط خودم صدایم را شنیدم، چون حتی برای یک لحظه هم کسی مکث نکرد و تردید به‌خود راه نداد. روی سکوها نشستم و بسکتبالیست‌های مدرسه دورم حلقه زدند. یکی گفت: «آقا! بیاین شما هم امتحان کنین.» و دیگری گفت: «آقا رو چه به بسکت؛آقا فقط سعدی و حافظ می‌شناسه!» و بعدی: «اگه ۳ امتیازی انداختین به همه بستنی می‌دم!» و توپ بسکتبال به طرفم آمد. در ذهنم هی مرور می‌کردم که نکند در دام بچه‌ها بیفتم. اگر پرتاب می‌کردم، احتمال رفتن توپ توی حلقه، یک در هزار بود که اگر گل نمی‌شد، جلوی بچه‌ها حسابی کنف می‌شدم و اگر گل می‌شد، باز هم کنف می‌شدم: آقا شانسی زدین... آقا باد موافق بود... آقا حلقه استاندارد نبود... آقا باید بستنی بدین و... .

تنها هنرم این بود که توپ را جوری بگیرم که به کله مبارکم نخورد. همین که گرفتم، بچه‌ها دست زدند و دوباره وسوسه‌ام کردند پرتاب کنم. دو راهی سختی بود. برای اینکه حرف را عوض کرده باشم، گفتم: «بچه‌ها! دیشب مسابقه بسکتبال آمریکا و سودان جنوبی رو دیدین؟»

انگار ترفندم جواب داد. والامقام، یکهو به هیجان آمد و گفت: «لبرون جیمز عجب غولیه به‌خدا! تو چند ثانیه آخر، بازی رو برگردوند!» و سعیدی ادامه داد: «آمریکایی‌ها با اون همه ادعا، تا ۲۰ ثانیه آخر، یک امتیاز عقب بودن و اگر پرتاب لبرون، گل نمی‌شد، می‌باختن.» و من ادامه دادم: «۹۹- ۱۰۰ به نفع سودانی‌ها بود و توپ، در دستان لبرون.دیدین چقدر زیرکانه وقت رو تلف کرد تا اگر گل زد، سودانی‌ها دیگه حتی فرصت جبران هم نداشته باشن؟» و هاشم‌زادگان ادامه داد: «لبرون جیمز چقدر به‌خودش مطمئن بود! آخه اگه توپش تو همون ثانیه‌های آخر گل نمی‌شد، باز هم آمریکا می‌باخت...» و من ادامه دادم: «اما به‌خودش اطمینان داشت و ۸ ثانیه مونده تا پایان بازی، توپ رو این‌جوری انداخت توی گل...»

ای وای! هیجان بازی آمریکا و سودان جنوبی، مرا هم گرفت و همه نگاه‌ها به من بود که به سمت حلقه، توپ به دست، ناخودآگاه حالت پرتاب گرفته بودم و دیگر نه راه پس داشتم و نه راه پیش! باید توپ را پرتاب می‌کردم.

دفتر عزیزم! آن روز بچه‌ها، بستنی‌به دست و خندان، مدرسه را ترک کردند و به سمت خانه‌هایشان رفتند!

جان‌پناهی برای آخرالزمان

فاطمه عباسی

اگر بگویند اتفاق هولناکی مثل سیل یا زلزله در راه است یا فراتر از آن، اگر متوجه شویم که یک واقعه آخرالزمانی نزدیک است، نهایتا یک کوله پشتی از وسایل ضروری آماده کنیم تا اگر آن اتفاق ناگوار افتاد، بتوانیم زنده بمانیم، اما آنهایی که در دسته میلیاردرها هستند و پولش را دارند، به جای یک کوله پشتی ناقابل، برای خودشان پناهگاه می‌خرند یا با صرف میلیون‌ها دلار، پناهگاه‌های عظیم زیرزمینی می‌سازند تا درصورت وقوع فاجعه‌ای مثل جنگ هسته‌ای، شیوع بیماری یا فروپاشی جامعه، جان سالم به‌در ببرند.

اگر تصورتان از این پناهگاه‌ها که به «اقامتگاه‌های آخرالزمان» یا «خانه‌های روز قیامت» معروف هستند، تنها یک اتاق بتونی با امکانات ناچیز است، باید بگوییم سخت در اشتباهید. این پناهگاه‌ها از قضا بسیار مجلل و با امکانات زیاد ساخته می‌شوند. برخی از امکانات این پناهگاه‌ها شامل خندق‌های آتشین برای دور نگه داشتن زامبی‌ها، گاراژهایی با گنجایش چندین ماشین، سالن‌های ورزشی، سونا، اتاق‌های بازی، آکواریوم، فضای مخصوص برای کارکنان و... می‌شود.

قیمت این پناهگاه‌ها از چند هزار پوند برای مدل‌های پایه تا ده‌ها میلیون دلار برای نمونه‌های فوق‌لوکس متغیر است. شاید برایتان سؤال باشد که اصلا چرا جنون ساخت پناهگاه‌های آخرالزمانی اینقدر شدت گرفته و این ابرثروتمندان نگران چه چیزی هستند؟

اگر در گذشته آدم‌هایی که پناهگاه می‌خریدند، عجیب و غریب به‌نظر می‌رسیدند و بهشان برچسب متوهم می‌زدیم، اما این روزها ظهور هوش مصنوعی، افزایش همه‌گیری‌ها، گرمایش جهانی و صدها عامل دیگر باعث ترس بسیاری از مردم نسبت به فروپاشی جامعه شده است. ظاهرا حالا دیگر ابرثروتمندانی که به‌دنبال پناهگاه آخرالزمان هستند آنقدرها هم دیوانه به‌نظر نمی‌رسند.

اما در نهایت سؤال اینجاست که آیا همه این تمهیدات می‌توانند مؤثر باشند؟ داگلاس راشکوف، نویسنده‌ای است که زمان زیادی را با میلیاردرها، به‌ویژه میلیاردرهایی که برای سناریوی آخرالزمان آماده می‌شوند، گذرانده است. از نظر راشکوف، گزینه‌هایی که می‌توانند منجر به انقراض بشریت شوند آنقدر وحشتناک هستند که شاید داشتن یک پناهگاه لوکس هم خیلی کاربردی نداشته باشد: «به‌نظر من اگر واقعا می‌خواهید از یک آخرالزمان جان سالم به در ببرید، با همسایگان خود آشنا شوید، دوستان زیادی پیدا کنید و تا می‌توانید با دیگران ارتباط برقرار کنید. این تکنیکی برای بقاست که به‌مراتب بیشتر از منزوی شدن زیر زمین احتمال موفقیت دارد.»

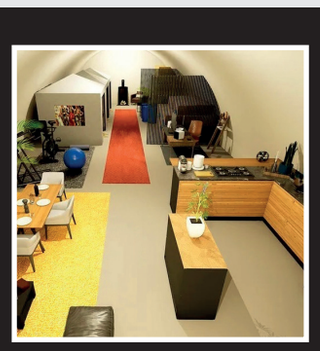

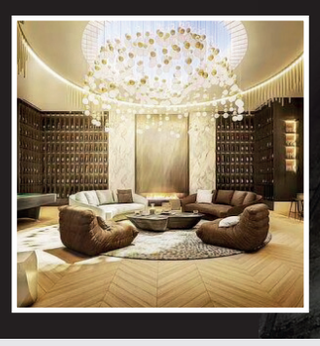

جولان کوسه‌های کوکائینی

کوسه‌ها، از ترسناک‌ترین آبزیان دنیا هستند اما حالا مردم در برزیل، دلیل دیگری برای نگرانی از آنها دارند. دانشمندان در تحقیقات خود، متوجه شده‌اند که تعداد زیادی از این حیوانات مهاجم در سواحل برزیل، کوکائینی هستند. زیست‌شناسان دریایی ۱۳کوسه را در ریودوژانیرو انتخاب کرده و از آنها تست اعتیاد گرفته‌اند و در همه موارد جواب آزمایش کوکائین، مثبت بوده است. به‌گفته آنها، میزان یافت‌شده در بافت‌های بدن این جانوران، بسیار بالا هم بوده است. این نخستین‌بار است که دانشمندان از وجود کوکائین در بدن کوسه‌ها خبردار می‌شوند. گمان می‌رود که کوکائین، از طریق آزمایشگاه‌های غیرمجازی که این ماده مخدر را تولید می‌کنند، راهش را به دریا باز می‌کند و در آنجا وارد بدن کوسه‌ها می‌شود. یک منبع دیگر تامین کوکائین برای کوسه‌ها، رهاشدن و بازشدن بسته‌های کوکائینی است که توسط شناورهای قاچاقچیان در دریا حمل می‌شود. یکی از دانشمندانی که بر این تحقیق نظارت کرده، گفته که این یافته‌ها به‌شدت مهم و البته نگران‌کننده هستند.

آنها گفته‌اند که تمامی کوسه‌های ماده که مورد تحقیق قرار گرفته‌اند، باردارند اما آنها نمی‌دانند که وجود کوکائین در بدن کوسه مادر، چه اثری بر بچه کوسه‌ها خواهد داشت. با این حال در تحقیقات پیشین مشخص شده که اثر موادمخدر روی بدن انسان‌ها و جانوران، تا حد زیادی مشابه است. کوسه‌ها از جانورانی هستند که حضورشان ترس زیادی در دل مردم حاضر در ساحل ایجاد می‌کند و حالا فکر کنید که تعداد زیادی از آنها، تحت تأثیر کوکائین هم باشند. بیخود نیست که نتایج این تحقیقات، نگران‌کننده اعلام شده است.

ماشین‌های دردانه!

یک نمایشگاه منحصربه‌فرد اتومبیل از ماشین‌های منحصربه‌فرد! آن هم در یک منطقه مسکونی کوچک در شمال شرق آمریکا به نام «دویلز تاون» پنسیلوانیا! امسال این رویداد، شامل ۵۲۵وسیله نقلیه بود که بیش از ۳۰هزار نفر را برای تماشا، جذب خود کرد. این نمایشگاه قدیمی، البته با دیگر نمایشگاه‌های وسایل نقلیه، یک تفاوت عمده دارد؛ تنها اتومبیل‌هایی حق نمایش دارند که خاص باشند و بی‌مانند! صاحبان خودرو هم با لباس‌های مشخص، کنار اتومبیل‌شان ایستاده‌اند تا برای بینندگان درباره خودروهایشان توضیح دهند. البته این نمایشگاه، علاوه بر تماشای اتومبیل و شنیدن موسیقی و صرف غذا و سرگرمی، یک هدف دیگر را هم دنبال می‌کند؛ جمع‌آوری پول برای نیازمندان.

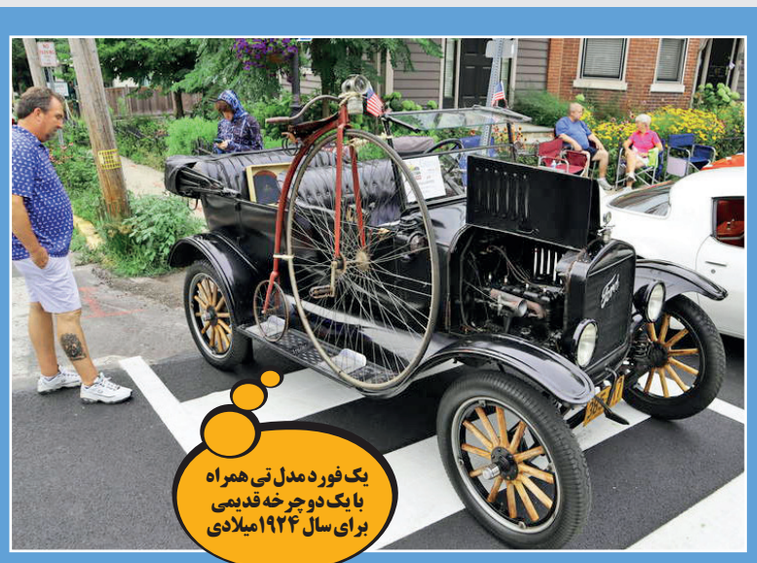
یک فورد مدل تی همراه با یک دوچرخه قدیمی برای سال ۱۹۲۴میلادی

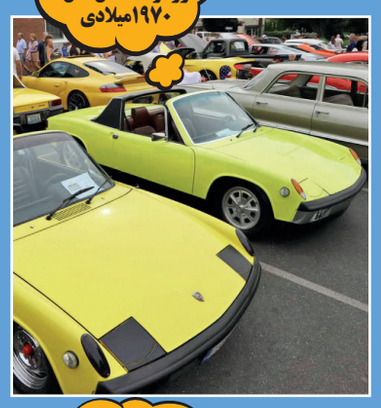
گروهی از پورشه‌های زردرنگ مدل سال ۱۹۷۰میلادی

فورد مدل تی که سال ساخت آن به ۱۹۱۵بازمی‌گردد.

یک کامیون پیکاپ

یک خودروی آتش‌نشانی قدیمی

خودروی چوی مدل سال ۱۹۵۷میلادی با جعبه‌دنده دستی ۳دنده

عکس خانه

برف‌بازی تابستانی

تهران دارد روزبه‌روز گرم‌تر می‌شود تا جایی که هشدار داده‌اند روزهای آینده به‌خاطر گرمای بیش از حد از خانه خارج نشویم. جنوب کشور آنقدر داغ است که تخم‌مرغ خام روی آسفالت تبدیل به نیمرو می‌شود. آفتاب در استان‌های مرکزی ایران از همیشه تیزتر است و ما داریم از این گرمای بالای ۴۰درجه کم‌کم تبخیر می‌شویم، آن وقت فکرش را بکنید که هنوز در همین کشور خودمان جاهایی هست که نه‌تنها گرم نیست، بلکه هنوز برف دارد! تصور اینکه جایی مثل ارتفاعات ارومیه با وجود تابستان، پوشیده از برف است، شاید کمی سخت باشد، اما تنوع آب و هوا در ایران آنقدر زیاد است که دیگر نباید تعجب کرد. همانطور که در تصویر هم مشاهده می‌کنید، در روزهای ابتدایی مرداد ماه، مردم ارومیه در ارتفاعات بوزسینه در حال برف‌بازی هستند و از گرمای زمین فارغ! بوزسینه (نام محلی به‌معنای سینه یخی) کوهستانی در نزدیکی مرزهای ایران، عراق و ترکیه است. این کوهستان یکی از مقاصد جذاب برای کوهنوردان و طبیعت‌دوستان به‌ویژه در فصل بهار و تابستان است.

سرقت جنجالی

چند روزی است که تصاویری از یک اتفاق عجیب در شیراز در فضای مجازی پربازدید شده است. ماجرا از این قرار است که شهرداری شیراز به مناسبت ماه محرم میدانی به نام میدان نذری ساخته و افتتاح کرده است. وسط این میدان هم مجسمه‌ای نصب شده که یک مرد در حال هم‌زدن نذری در دیگ است و یک کودک هم با یک کاسه در دست منتظر گرفتن نذری است. درست چند روز بعد از افتتاح این میدان، دیگ مسی میدان دزدیده شد! سرقت اموال عمومی البته که اتفاق تازه‌ای نیست، اما سرعت عمل این سارق جای تعجب دارد.

تلماسه‌های سرخ

اگرچه تا همین چند سال پیش کشور عربستان در مقاصد گردشگری جهان جایگاه خاصی نداشت، اما این کشور گردشگاه‌های طبیعی زیبایی دارد که یک نمونه از آن را در تصویر می‌بینید. اینجا منطقه تبوک عربستان است که به‌خاطر تلماسه‌های سرخ‌رنگش معروف است. این یک منطقه کوهستانی عظیم است که در استان تبوک در شمال غربی عربستان سعودی واقع شده و گردشگران این فرصت را دارند که پیاده‌روی کنند، پیک‌نیک داشته باشند یا کمپینگ کنند.